

خانواده‌ها ریسک می‌کنند، بچه‌ها می‌لغزند!

محمد دشتی

امروز در مورد دغدغه‌های اجتماعی مشترکی که ما و شما داریم گفت‌وگو کنیم. آیا در مدارس شما دانش‌آموز معتاد وجود دارد؟»

اعضای جلسه نگاه‌های معنی‌داری به هم می‌کنند و وقتی یکی از آنان می‌خواهد چیزی بگوید، دکتر با عذرخواهی می‌گوید: «نه! نمی‌خواهم الان پاسخ بدهید. می‌خواستم بگویم که گفت‌وگوی ما در مورد مسائلی است که حرف زدن من و شما پیرامون آن می‌تواند ناراحت‌کننده اما مفید، اثربخش و اثرگذار باشد. نگاه ما و مأموریت ما، نگاه و مأموریت بازرسی و مچ‌گیری نیست! ما یک رسانه همکار و در واقع نمایندهٔ معلمان و دیگر همکاران آموزش و پرورش و دانش‌آموزان هستیم. اگر سؤالاتی از این دست مطرح می‌کنیم، قصدمان محاکمه کردن کسی و تلخ کردن کام دوستان نیست! تلخی آن نیست که ما در مورد بود یا نبود معضلاتی مانند طلاق و اعتیاد در یک استان با هم گفت‌وگو کنیم، بلکه تلخی و غصه آن جایی است که حتی یک دانش‌آموز معتاد در کشور وجود داشته باشد و ما از آن بی‌اطلاع و یا نسبت به آن بی‌توجه باشیم.»

اشاره

به اتفاق گروهی از همکاران مجله «رشد آموزش علوم اجتماعی» گزارشگران دفتر انتشارات کمک آموزشی به استان خراسان شمالی سفر کرده‌ایم.

روز یکشنبه ۳۱ اردیبهشت ماه به شهرستان شیروان می‌رسیم و در محل ادارهٔ آموزش و پرورش شیروان، با آقای فریدون سیاوشی، معاون آموزش متوسطهٔ این شهرستان و جمعی از معلمان و اعضای گروه‌های آموزشی استان دیدار و گفت‌وگو می‌کنیم.

کمی دیر می‌رسیم و همکاران در محل دفتر آقای سیاوشی منتظرمان هستند. سلام و علیک و خوش و بشی می‌کنیم و سر جاهایمان می‌نشینیم. آقای دکتر همدانی، مدیر داخلی مجله، از تأخیری که در رسیدن به شهرستان داشته‌ایم عذرخواهی می‌کند و پس از معرفی گروه همکاران می‌گوید: «دوستان عزیز در جریان باشند که ما برای پرسیدن سؤالات تکراری و کلیشه‌ای به استان نیامده‌ایم و می‌دانیم که در پایان سال تحصیلی وقت شما کم و در عین حال بسیار ارزشمند است. من می‌خواهم

چهره‌ها شکفتند!

چهره‌ها باز تر می‌شوند! نشانه‌های تعجب و گرفتگی در صورت کم به کم به تبسم کم‌مایه‌ای تبدیل می‌شود. با ادامه بحث و توضیحات بیشتر دکتر احمد همدانی، شکفتگی و لبخند اعضای جلسه را هم مشاهده می‌کنیم. انگار از این همدلی و هم صدایی در مورد مسائلی که علی‌رغم وجود، صحبت کردن در مورد آن‌ها تابو و دور از انتظار است، خوش‌حال‌اند.

آقای همدانی، می‌گوید: «عرض بنده فعلاً تمام! اگر دوستان اجازه بدهند و ما را و همه خوانندگان مجله را محرم خود بدانند، راحت‌تر با هم صحبت کنیم.»

نماینده‌ای که تنها پیمان نمی‌گذارد!

آقای وحدانی، نماینده مجلات رشد در استان خراسان شمالی که با به پای گروه در بیشتر جلسات حضور دارد و این صحبت‌ها تا حدی برایش عادی شده، ضمن تشکر از همکاران در آموزش و پرورش شیروان که زمینه این گفت‌وگو را فراهم کرده‌اند، می‌گوید: «دوستان ما در مجله رشد آموزش علوم اجتماعی در یکی دو سال اخیر با حضور در استان‌های کشور تلاش کرده‌اند، ضمن تعامل نزدیک‌تر با مخاطبان خود و گفت‌وگوهای رو در رو با دانش‌آموزان، معلمان، مدیران و مسئولان آموزش و پرورش، مسائل مبتلا به حوزه علوم اجتماعی را از نزدیک مورد کنکاش و بررسی قرار دهند و با توجه به مأموریت‌های ملی مجله مبنی بر پوشش دادن به تمامی مخاطبان در سراسر کشور، مسئولیت‌های اجتماعی خود را در گستره کشوری به انجام برسانند. استان خراسان شمالی پس از جدا شدن از خراسان بزرگ و تبدیل شدن به یک استان مستقل، نیازمند توجه بیشتری از سوی مسئولان آموزش و پرورش است. به همین مناسبت همکاران ما در دفتر انتشارات کمک آموزشی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی تصمیم گرفته‌اند در پنجمین سفر استانی خود، به پوشش و انعکاس مسائل استان در حوزه مسئولیت‌های مجله رشد آموزش علوم اجتماعی بپردازند.»

در زمینه مجلات رشد، رشد داشته‌ایم!

در ادامه جلسه آقای سیاوشی به معرفی همکاران خود می‌پردازد و می‌گوید: «ما در شهرستان شیروان همکاران پرتلاشی داریم که خوشبختانه در کنار آن‌ها توانسته‌ایم تا حد زیادی خدمات مناسبی را به دانش‌آموزان عزیز ارائه دهیم.»

در این جلسه **آقای شیرنژاد**، از همکاران علوم اجتماعی ما در پژوهشکده، آقای جیران، سرگروه درس تاریخ استان (که در بخش علوم اجتماعی و مسائل فرهنگی استان اطلاعات خوبی دارند)، آقای خادم، کارشناس ارشد



علوم اجتماعی و کارشناس شاهد، **آقای مروچی**، سرگروه جغرافیای استان، آقای ملکی، کارشناس ارشد علوم اجتماعی (که سوابق خوبی هم در قسمت پژوهش دارند)، **آقای مهدی افتخاری**، از همکاران پژوهش‌سرای دانش‌آموزی و **آقای ترقی**، کارشناس بخش علوم اجتماعی حضور دارند. در خدمت **آقای خیرآبادی** هم که مسئولیت توزیع مجلات رشد را در شهرستان شیروان برعهده دارند، هستیم. ما خوشبختانه در پناه تلاش‌های ایشان رشد خوبی را به لحاظ دریافت و توزیع مجلات رشد داشته‌ایم.

رشته سخن را آقای دکتر همدانی به دست گرفتند.

همدانی: بنده را ببخشید که جلسه را با شروعی متفاوت و با اشاره به معضلاتی آغاز کردم که شاید در وهله اول صحبت کردن از آن‌ها و پرداختن به آن‌ها خوشایند نباشد. ولی ما برای درمان، چاره‌ای جز شناخت درد نداریم. من توفیق داشته‌ام که ضمن تدریس در دانشگاه‌ها، همکاری‌هایی هم با آموزش و پرورش داشته‌ام و ارتباطم با مدارس کمک کرده است به عنوان مدیر داخلی رشد آموزش علوم اجتماعی بتوانم از وجود همکاران خوبم در سرتاسر کشور استفاده کنم. امیدوارم بتوانیم در این شهرستان هم از نظرات و پیشنهادات دوستان بهره کامل ببریم و آن‌ها را برای استفاده بیشتر در سراسر کشور، در مجله منعکس کنیم.

می‌خواهیم امانت‌دار خوبی باشیم!

نگاه ما در این بحث و تبادلات حضوری و رو در رو، نگاه پژوهشی و فرهنگی است. در چند سال گذشته این

تصور وجود داشت که فضای مجلات ما بیشتر فضایی تهرانی است. به همین دلیل تصمیم گرفتیم با حضور بین مخاطبان حقیقی مجله در استان‌ها، این فضا را عوض کنیم. در واقع این صفحاتی را که به عنوان امانت چند روزی در اختیار ماست، برای انعکاس نظر و نگاه همه مخاطبان کشور، به خصوص استان‌های دوره افتاده‌تر که دسترسی کمتری هم به این فضاها دارند، اختصاص دهیم. این فرصت بسیار خوبی است برای آن که فضای بحث و گفت‌وگو بین مخاطبان در استان‌های کشور پهناور اسلامی ایران را بگشاییم و توسعه دهیم.

تصور وجود داشت که فضای مجلات ما بیشتر فضایی تهرانی است. به همین دلیل تصمیم گرفتیم با حضور بین مخاطبان حقیقی مجله در استان‌ها، این فضا را عوض کنیم. در واقع این صفحاتی را که به عنوان امانت چند روزی در اختیار ماست، برای انعکاس نظر و نگاه همه مخاطبان کشور، به خصوص استان‌های دوره افتاده‌تر که دسترسی کمتری هم به این فضاها دارند، اختصاص دهیم. این فرصت بسیار خوبی است برای آن که فضای بحث و گفت‌وگو بین مخاطبان در استان‌های کشور پهناور اسلامی ایران را بگشاییم و توسعه دهیم.

تصور وجود داشت که فضای مجلات ما بیشتر فضایی تهرانی است. به همین دلیل تصمیم گرفتیم با حضور بین مخاطبان حقیقی مجله در استان‌ها، این فضا را عوض کنیم. در واقع این صفحاتی را که به عنوان امانت چند روزی در اختیار ماست، برای انعکاس نظر و نگاه همه مخاطبان کشور، به خصوص استان‌های دوره افتاده‌تر که دسترسی کمتری هم به این فضاها دارند، اختصاص دهیم. این فرصت بسیار خوبی است برای آن که فضای بحث و گفت‌وگو بین مخاطبان در استان‌های کشور پهناور اسلامی ایران را بگشاییم و توسعه دهیم.

تصور وجود داشت که فضای مجلات ما بیشتر فضایی تهرانی است. به همین دلیل تصمیم گرفتیم با حضور بین مخاطبان حقیقی مجله در استان‌ها، این فضا را عوض کنیم. در واقع این صفحاتی را که به عنوان امانت چند روزی در اختیار ماست، برای انعکاس نظر و نگاه همه مخاطبان کشور، به خصوص استان‌های دوره افتاده‌تر که دسترسی کمتری هم به این فضاها دارند، اختصاص دهیم. این فرصت بسیار خوبی است برای آن که فضای بحث و گفت‌وگو بین مخاطبان در استان‌های کشور پهناور اسلامی ایران را بگشاییم و توسعه دهیم.

فراموش نکنیم که نقش برنامه‌ریزان درسی و آموزشی و مؤلفان محترم کتاب‌های درسی هم در این میان کم نیست. اگر آنان با هنرمندی و ظرافت مسائل جامعه را در کتاب‌های درسی نیاورند، معلم نمی‌تواند به تنهایی چنین مسائلی را در کلاس درس مطرح کند. پس برای حل و رفع این معضلات که در همه استان‌ها ممکن است وجود داشته باشد، به عزم ملی نیاز داریم

تصور وجود داشت که فضای مجلات ما بیشتر فضایی تهرانی است. به همین دلیل تصمیم گرفتیم با حضور بین مخاطبان حقیقی مجله در استان‌ها، این فضا را عوض کنیم. در واقع این صفحاتی را که به عنوان امانت چند روزی در اختیار ماست، برای انعکاس نظر و نگاه همه مخاطبان کشور، به خصوص استان‌های دوره افتاده‌تر که دسترسی کمتری هم به این فضاها دارند، اختصاص دهیم. این فرصت بسیار خوبی است برای آن که فضای بحث و گفت‌وگو بین مخاطبان در استان‌های کشور پهناور اسلامی ایران را بگشاییم و توسعه دهیم.

تعامل با استان‌ها جزو دستور کار اصلی مجلات رشد است

شک نداریم که برای مجله‌ای مانند رشد آموزش علوم اجتماعی، نمی‌توان در اتاق‌های در بسته و جمع‌های محدود و کوچک نوشت. بنا به ماهیت مجله، نیاز داریم که به میان مخاطبان و خوانندگان خود برویم و با کمک آنان مجله را تهیه و تولید کنیم. ما از سال گذشته به نحوی برنامه‌ریزی کردیم که هر سال بتوانیم در چهار استان حضور پیدا کنیم و با مخاطبان و خوانندگان مجله به بحث و تبادل نظر بنشینیم. پدیده‌های اجتماعی خاص هر استان را هم در نظر داریم و تلاش می‌کنیم پدیده‌های خاص اجتماعی هر استان را برای آشنایی خوانندگان در سراسر کشور معرفی کنیم. امیدوارم در یک دوره چند ساله، خوانندگان عزیز ما با ویژگی‌های خاص تمامی استان‌های کشور به خوبی آشنا شوند و تصویر کاملی از وضعیت اجتماعی و فرهنگی کشور پهناور اسلامی ایران داشته باشند.

در سال گذشته ما در استان‌های خراسان رضوی، بوشهر، ایلام و چهارمحال و بختیاری حضور پیدا کردیم. امسال هم به استان کهگیلویه و بویراحمد و این استان سفر کرده‌ایم. ان‌شاءالله در همین ابتدای سال به استان‌های کردستان و همدان خواهیم رفت تا با مخاطبان خوب مجله از نزدیک گفت‌وگو کنیم.

غافل نشویم، معضلات اجتماعی کمش هم زیاد است!

به نظر می‌رسد که ما در استان خراسان شمالی می‌توانیم حول سه محور مهاجرت‌های دانش‌آموزی تأثیرات فرهنگی مرز طولانی استان با کشور ترکمنستان و تبادلات فرهنگی و اجتماعی با آن کشور و مسائلی مانند اعتیاد و طلاق با هم گفت‌وگو کنیم. البته بحث‌هایی مانند اعتیاد و طلاق متأسفانه معضلاتی کلی هستند و چون موارد کم آن‌ها هم زیاد است، در این زمینه باید به فکر پیشگیری باشیم و درمان آن خیلی دیر است. این بررسی‌ها و هشدارها در

سالی هم معاون آموزشگاه‌های متوسطه بودهام. همکاران ما در مورد کتاب‌های علوم اجتماعی نظرات متفاوتی دارند و در جلسات سرگروه‌ها و گروه‌های درس علوم اجتماعی هم معمولاً بحث‌هایی در خصوص این کتاب صورت می‌گیرد.

به نگرانی بچه‌ها پاسخ‌های مناسب بدهیم

وقتی هم به مدارس سر می‌زنیم، بچه‌ها به‌ویژه در سال اول، نگرانی‌هایی در این مورد دارند. نظرشان این است که مباحث مطرح‌شده در سال اول خیلی کلی هستند و درک آن‌ها دشوار است. از سوی دیگر فرصت لازم برای توضیح کافی در این خصوص در اختیار دبیران محترم نیست و از این بابت هم دانش‌آموزان دچار مشکل هستند. در پایه‌های دوم، سوم و حتی سال‌های بالاتر که درس تخصصی‌تر می‌شود، این مشکلات هم تا اندازه‌ای کاهش می‌یابد.

از سوی دیگر، ما در یک ارزیابی کلی در این درس و خصوصاً در مدارس حاشیه شهر، شاهد افت نمرات هستیم. همین موضوع نشان می‌دهد که باید تجدیدنظری در این خصوص توسط کارشناسان و مؤلفان محترم صورت گیرد.

افتخاری: بنده ۱۸ سال در آموزش و پرورش سابقه کار دارم. چند سالی در بندرعباس خدمت کرده‌ام و دو سال هم در شهرستان قم مشغول انجام وظیفه بوده‌ام.

در مورد مسئله اعتیاد و طلاق که شما به آن اشاره کردید، شکی نیست که این معضلات می‌توانند در هر جامعه و استان و یا در یک نگاه کلی‌تر در هر کشوری وجود داشته باشند. اعتقاد ما این است که باید این معضلات را به‌ویژه در حوزه دانش‌آموزی با حساسیت خاصی دنبال کنیم تا بتوانیم از تبعات منفی آن در امان بمانیم. تحقیقات میدانی هم که در برخی مدارس انجام شده‌اند از آن حکایت دارند که پدیده اعتیاد متأسفانه جامعه ما را هدف قرار داده است و باید مراقب آن باشیم. البته برای پرداختن به این موضوع به پژوهش‌ها و تحقیقات ویژه‌ای نیاز است تا بتوان سطح و جایگاه آن را به درستی تعیین و با نگاهی کارشناسانه و تخصصی به آن پرداخت. طبیعی است که فقط با اتکا به دانسته‌های محدود فردی نمی‌توان در این خصوص قضاوت کرد. همان‌طور که دوستان هم اشاره کردند، مطرح کردن موضوع برای هشدار و تذکر مفید خواهد بود و نباید آن را به عنوان یک حکم کلی در مورد همه مدارس و احیاناً به عنوان یک مشکل فراگیر مطرح کرد.

در انعکاس مسائل اجتماعی، دقیق و با مطالعه رفتار کنیم

در مورد طلاق هم ما دریافته‌های کلی خود را بازتاب می‌دهیم، که نمی‌توان آن‌ها را ملاک و معیاری مناسب برای قضاوت در این زمینه دانست. بله! مانند هر جای دیگری



از کشور، در شهرستان شیروان هم طلاق وجود دارد و متأسفانه اثرات منفی خود را هم بر دانش‌آموزان، به‌خصوص دانش‌آموزان دوره ابتدایی می‌گذارد. همه ما با واژه بچه‌های طلاق و معضلات و مشکلات آن‌ها آشنا هستیم. تعلیم و تربیت تنها برعهده آموزش و پرورش نیست. ما در این جا فقط متولی تربیت رسمی در همان ساعات رسمی مدرسه هستیم. اگر نهادهای فرهنگی و اجتماعی دیگری مثل رسانه‌ها، اجتماع و به‌خصوص خانواده‌ها نقش خود را به‌درستی ایفا نکنند، ما هم در انجام این مسئولیت سنگین موفق نخواهیم شد.

من وقتی به گذشته فکر می‌کنم، می‌بینم زمانی که در قم و بندرعباس بودم، مسئله طلاق در این شهرها هم مطرح بود. یعنی این موضوع عمومیت دارد. به همین دلیل نظر من این است که به طلاق باید به‌عنوان یک معضل فراگیر توجه شود و بررسی موردی آن در یک شهرستان مثل شیروان، به حساسیت و دقت خاصی نیاز دارد.

همدانی: آیا فکر نمی‌کنید فراوانی این موضوعات در استان شما که سابقه فرهنگی زیادی هم دارد، بیش از حد معمول است و در واقع به مسئله تبدیل شده است؟ یا توجه به زیرساخت‌های اقتصادی و سابقه درخشان فرهنگی این استان، به نظر می‌رسد این دو زمینه، یعنی فقر و ناآگاهی، زمینه‌ساز این معضلات نیستند. به نظر شما دلیل فراوانی اعتیاد و طلاق در استان چیست؟

ترقی: بنده فوق لیسانس فلسفه هستم و ۱۶ سال سابقه کار دارم. کارم را از استان اصفهان شروع کرده‌ام و پس از ۱۰ سال تدریس در آن استان، به شهرستان شیروان منتقل شده‌ام.

آینده ندارند. این جوانان بالترژی و پرتوان باید در شهرهایی مثل تهران و بوشهر کارگری کنند و پولی را که طی دو سه ماه در می‌آورند، در یک ماه در شهرستان هزینه می‌کنند. این چرخه معیوب در طول سال تکرار می‌شود. پس این زیرساخت‌های بالقوه، عملاً به کار جوانان ما نمی‌آیند. یعنی با این‌که زیرساخت‌ها و امکانات اقتصادی وجود دارد، ولی چون تبدیل به فعل نشده فقر، هم‌چنان حکم می‌راند و نمی‌توان گفت وجود ندارد. فقر فرهنگی هم نه به‌عنوان نبودن فرهنگ، بلکه به‌عنوان آشنا نبودن، نشناختن و بهره نبردن از این سابقه درخشان فرهنگی وجود دارد. پس مشکل فرهنگی و وجود مرزها را هم می‌شود به‌عنوان زمینه معضلات و مشکلات معرفی کرد.

خانواده‌ها قمار می‌کنند، بچه‌ها می‌بازند!

موضوع بعدی فراوانی و در دسترس بودن مواد است که قبح و زشتی این موضوع را از بین برده است. این مواد در دسترس خانواده‌ها قرار دارد و متأسفانه گاهی از آن‌ها به‌عنوان آرام‌بخش و دارو استفاده می‌شود. برخی از دانش‌آموزان قربانی خانواده‌های خود هستند. خانواده‌های آن‌ها با مصرف مواد دست به قمار زبانباز اعتیاد زده‌اند و در این میان بچه‌هایشان می‌بازند! البته با وجود همه این‌ها نمی‌توان گفت مسئله اعتیاد حاد و شدید است. دانش‌آموز من می‌گوید پدرم قبلاً کار می‌کرد و هزینه مواد خود را تأمین می‌کرد. ولی الان منتظر است تا در آخر ماه پول یارانه خانواده را برای این مواد هزینه کند. کاری هم به ما و احتیاجات ما ندارد. حل این‌گونه مسائل به عزم و توجه ملی نیاز دارد و من از این بابت خوشحالم که شما به‌عنوان یک رسانه به این موضوعات پرداخته‌اید.

همدانی: آیا شما قبول دارید که آموزش و پرورش در این زمینه مهم‌ترین عامل کنترل‌کننده است؟ باتوجه به این‌که شعار دادن در این زمینه مشکلی را حل نمی‌کند، شما به‌عنوان بخشی از آموزش و پرورش چه پیشنهادی عملیاتی در این زمینه دارید؟

ترقی: بیاییم در شیروان ۱۰ کارخانه احداث کنیم. آیا این کار ممکن است؟

همدانی: پیشنهادتان در حوزه آموزش و پرورش چیست؟ **ترقی:** مگر آموزش و پرورش می‌تواند بدون کمک و ایجاد زیرساخت‌های لازم در این خصوص، برای حل چنین معضل ریشه‌ای گام بردارد؟ من در کلاس درس از زبان‌های مواد برای دانش‌آموزان صحبت می‌کنم، اما همین دانش‌آموز وقتی پا به درون خانه می‌گذارد، با فقر و محرومیت و احیاناً وجود مواد در خانه روبه‌رو می‌شود. آیا به نظر شما این بچه می‌تواند چشمانش را ببندد و با حرف‌های من زندگی کند؟



مشکل اعتیاد قابل مخفی کردن نیست!

ما شک نداریم که اعتیاد وجود دارد، آشکار است و قابل مخفی کردن هم نیست. متأسفانه علاوه بر خانواده‌ها، دانش‌آموزان هم درگیر این موضوع هستند. شاید بچه‌هایی باشند که مواد مخدر را از بزرگ‌ترها هم بهتر بشناسند. با کمال تأسف، برخی از بچه‌ها تهیه‌کننده این مواد برای خانواده و یا پدر و مادر خود هستند. متأسفانه مواد مخدر در آن استان و در روستایی هم که من تدریس می‌کردم، مواد مخدر وجود داشت و چون پدران بسیاری از بچه‌ها در کشورهای حاشیه خلیج فارس کار می‌کردند، بچه‌ها با این مسئله درگیر بودند. استان ما از پیشینه فرهنگی زیادی برخوردار است و زیرساخت‌های اقتصادی خوبی داریم، اما به نظر من این زیرساخت‌ها و زمینه‌ها، حداقل در حال حاضر بالقوه هستند و به فعل تبدیل نشده‌اند. از سوی دیگر، مردم ما با این فرهنگ غنی زیاد آشنا نیستند و از آن بهره نمی‌برند. این فرهنگ نتوانسته است عاملی بازدارنده در برابر مشکلات اجتماعی باشد و کارکرد مناسب و مفیدی نداشته است. در این استان و شهرستان شیروان، زیرساخت‌ها و منابع طبیعی و خدادادی فراوانی وجود دارد، اما جوانان ما بی‌کارند! زمینه بهره‌گیری از این امکانات هم وجود دارد، ولی متأسفانه به آن توجه نشده است.

این مشکل ریشه‌هایی دارد که نمی‌توان به آن‌ها بی‌اعتنا بود

جوانان ما بی‌کارند! درصد قابل توجهی از آنان برای کار به تهران و شهرهای بزرگ می‌روند و امید چندانی به

افتخاری: در کتاب‌های جدیدی که برای دانش‌آموزان به چاپ می‌رسد، به آن‌ها به عنوان شهروند نگاه می‌شود. به دانش‌آموز گفته می‌شود باید مهارت‌هایی را فرا گیرد که در آینده بتواند به کمک آن‌ها به عنوان شهروندی موفق و خوب در خدمت شهر و نیارهای شخصی خودش باشد.

در طرح تحول بنیادین،

دانش‌آموز مطلوب نظام اسلامی تعریف شده است

در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش هم، دانش‌آموز ما به عنوان فردی مفید به حال خود و جامعه خود تعریف شده و شاخص‌هایی برای او تعیین شده که نظام آموزش و پرورش باید چنین دانش‌آموزانی را به جامعه تحویل بدهد. اما در کتاب‌های موجود ما، به‌خصوص در دوره‌های متوسطه و راهنمایی، هنوز اعتیاد و طلاق به عنوان یک معضل اجتماعی و یک ضدارزش معرفی نشده‌اند. اگر هم به آن‌ها اشاره‌ای شده خیلی گذرا و حاشیه‌ای بوده و به عنوان بحثی کلیدی مورد توجه قرار نگرفته است.

شکی نیست که آموزش و پرورش در این زمینه نقش و مسئولیت دارد و معلمان ما هم باید نسبت به آن‌ها حساسیت داشته باشند. حالا جدا از مسئولیت قانونی و حرفه‌ای، اگر خدای ناکرده این مشکل توسعه پیدا کند، می‌تواند فردا دامان فرزندان و خانواده‌های آنان را هم بگیرد و برای خودش هم معضل به وجود آورد.

معلم به تنهایی نمی‌تواند این مشکل را حل کند

فراموش نکنیم که نقش برنامه‌ریزان درسی و آموزشی و مؤلفان محترم کتاب‌های درسی هم در این میان کم نیست. اگر آنان با هنرمندی و ظرافت این مسائل را در کتاب‌های درسی نیاورند، معلم نمی‌تواند به تنهایی چنین مسائلی را در کلاس درس مطرح کند. پس برای حل و رفع این معضلات که در همه استان‌ها ممکن است وجود داشته باشد، به عزم ملی نیاز داریم. در این میان، نقش مجلات رشد هم به عنوان رسانه‌ای که به همه مدارس کشور می‌رود و از این جنبه بی‌رقیب است، بسیار اهمیت دارد. هر کدام از این مجلات مخاطب و زبان خاص خود و قطعاً تحریریه و کارشناسی حرفه‌ای خود را دارد که باید هنرمندانه و به شکل مناسب و مؤثری به این معضلات بپردازند.

حتی وجود یک دانش‌آموز معتاد هم شایسته این نظام نیست

متأسفانه در میان دانش‌آموزان دوره‌های ابتدایی و متوسطه، دانش‌آموز معتاد داریم. روشن است دانش‌آموزی که با پدر و مادر معتاد خود زندگی می‌کند، زمینه‌گرایش

به اعتیاد در او بیشتر است. در چنین وضعیتی و در نظام اسلامی، اگر در همه کشور حتی یک دانش‌آموز معتاد هم وجود داشته باشد، از بالاترین مسئول در وزارت آموزش و پرورش تا معلمی که در مدرسه و در کلاس درس زحمت می‌کشد، باید به این موضوع حساس باشند و برای رفع این مشکل قدم بردارند. البته احساس من این است که گام‌های بلندی در آموزش و پرورش برداشته شده است. در طرح تحول بنیادین آموزش و پرورش، تربیت شهروند آگاه و مسئول مورد توجه قرار گرفته و در اسناد تحول، به‌خصوص سند ملی برنامه درسی، به خوبی به آن پرداخته شده است. **همدانی:** آیا به نظر شما، آن چه که در این اسناد آمده است، قادر خواهد بود دانش‌آموز توصیف شده را به جامعه تحویل دهد؟ آیا به ویژگی‌ها و تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی استان‌ها در این اسناد توجه شده است؟ دوستان در صحبت‌هایشان وجود مسائلی از قبیل اعتیاد و طلاق را به عواملی بیرونی ارتباط دادند و آن را مشکلی فراسازمانی بیان کردند. آیا در این سندها هم به این معضلات با همین نگاه واقع‌بینانه (که حاصل حضور شما در محیط و لمس مشکلات از نزدیک است) توجه شده است؟

ترقی: البته در طرح تحول ۲۰ تا ۳۰ درصد از تصمیم‌سازی‌ها در اختیار استان‌ها می‌باشد اما مشکل این جاست که ما در خیلی از موارد جزیره‌ای عمل می‌کنیم. یعنی هر کدام در هر بخشی که هستیم، جداگانه تصمیم می‌گیریم، برنامه‌ریزی می‌کنیم و به اجرا درمی‌آوریم. من امیدوارم در بحث‌های تحول این اتفاق نیفتاده باشد و آموزش و پرورش که بر اساس فرمایشات دوستان، متولی بخشی از نظام تعلیم و تربیت است (حتی اگر این بخش، مهم‌ترین بخش باشد)، به تنهایی برای این کار تصمیم نگرفته باشد. از دیگر متولیان بخش‌های فرهنگی که در تعلیم و تربیت نظام سهیم هستند، نظرخواهی کرده و مشورت گرفته باشد؛ زیرا اگر طرح تحول به بهترین شکل هم طراحی و تدوین شده باشد، اما حامل و متضمن نظر و نگاه آنان نباشد و با مشارکت نهادهای ذی‌ربط تهیه نشده باشد، حتی اگر با مقاومت آنان روبه‌رو نشود، حداقل همراهی آنان را با خود نخواهد داشت.

مدیر آموزش و پرورش استان باید برای این کار در کنار فرماندار و استاندار بنشینند و با همکاری آنان فکری به حال این معضلات بکنند. آن‌ها باید در کنار امام جمعه و فرمانده انتظامی شهرستان بنشینند و همه متولیان فرهنگی و اجتماعی منطقه را دور هم جمع کنند و برای حل مشکل راهکار پیدا کنند. در این صورت معلم هم می‌تواند در کنار این برنامه‌ها و با حمایت آنان، نقش خود را به خوبی ایفا کند.

همدانی: همه این حرف‌ها درست، ولی چه کسی باید در این کار پیشقدم شود؟

ترقی: بسم‌الله، بفرمایید! پیشقدم شوید، ما هم پشت سر و پشتیبان شما هستیم.

همدانی: من این موضوع را مطرح کردم و مسئله را در ذهن دوستان ایجاد کردم. خوش‌حالم که دوستان هم در بحث با ما همراه شدند. در جمع ما، معاون آموزش متوسطه شهرستان، آقای سیاوشی هم حضور دارند. من انتظار دارم دوستان این موضوع را فرا روی خود قرار دهند و در حد امکانات و اختیارات خود کار کنند. طبیعی است که در قدم اول نامهربانی‌های زیادی هم ببینید!

سیاوشی: این‌گونه نیست که ما دست روی دست گذاشته باشیم و کاری نکرده باشیم. برای روشن شدن مسئله برایتان مثالی می‌زنم. ما محله معروفی داریم که تا نام آن بیاید، دوستانی که در این شهر هستند، یاد مسئله اعتیاد می‌افتند. ما به کمک دیگر دوستان مسئول در شهرستان توجه خاصی به این محله کردیم و قرار شد هر بخشی کاری را انجام دهد. ما هم به عنوان آموزش و پرورش کتابخانه‌ای در آن محل احداث کردیم. نیروی انتظامی دخالت کرد و خانه‌های مورددار را لاک و مهر کرد. فرمانداری و شورای تأمین امنیت شهرستان حضور پیدا کردند. ادارات دیگر هم مانند «میراث فرهنگی» و بقیه ادارات مسئول، هر کدام نقشی را برعهده گرفتند. نتیجه چه بود؟ مشکل آن محله حل شد و سلامت به آن بازگشت، ولی مشکل اصلی حل نشد، فقط یک جابه‌جایی صورت گرفت. مشکل اعتیاد خودش را در محله جدیدی نشان داد. مشتریان به جای مراجعه به محله الف، به محله ب می‌رفتند.

معنی حرف‌های ما فرار از مسئولیت نیست!

مشکل آن قدر پیچیده است که با این‌گونه برنامه‌ها قابل حل نیست. اگر دوستان من هم از ناهماهنگی و نتیجه ندادن اقدامات فردی و یا حتی دستگاهی صحبت می‌کنند، به مفهوم بی‌انگیزی، فرار از مسئولیت و بی‌تفاوتی نیست. ما و شما می‌توانیم این موضوع را برای اطلاع‌رسانی و آگاهی بخشی منعکس کنیم، ولی کلید حل این مشکل در دست ما و شما نیست. حرف من هم همان فرمایش آقای ترقی است. حل این مشکل در گرو همت عالی و هماهنگی همه دستگاه‌های فرهنگی و اجتماعی و حتی اقتصادی مسئول در سطح شهرستان است. البته برخی اقدامات فرهنگی و رسانه‌ای هم در این زمینه انجام شده است. از جمله هفته گذشته برنامه‌ای از صدا و سیما، خراسان شمالی با عنوان «اعتیاد و راهکارهای مقابله با آن» به مدت یک هفته پخش شد. در این برنامه از زوایای مختلف به این معضل اجتماعی پرداخته و بحث‌های خوب و

مسائل اجتماعی مانند دانه‌های تسبیح در کنار هم معنا می‌دهند و با یک نگاه نظام‌مند، در کنار هم و در تعامل با هم معنا می‌دهند و می‌توانند نقش واقعی خود را ایفا کنند. پس در یک نگاه ریشه‌ای و عمیق ما باید از خودمان شروع کنیم. باید برای معلمان در عمل نقش و ارزش قائل شویم تا آن‌ها بتوانند دانش آموزان باهویتی را تحویل جامعه دهند

مفیدی هم در آن مطرح شد. ما در استان از این موضوعات غافل نیستیم، ولی پیچیدگی مسئله و ابعاد تأثیرگذاری آن متأسفانه به‌گونه‌ای است که به اقداماتی اساسی نیاز دارد.

همدانی: بله، من متوجه هستم که شما نسبت به این موضوع بی‌تفاوت نیستید، ولی عرضم این است که مسئولیت ما در این زمینه بیشتر از نهادهای دیگر است. ما تعداد زیادی از دانش‌آموزان را چند ساعت در روز در اختیار داریم و با خانواده‌ها در ارتباط هستیم. باید از این سرمایه‌های ارزشمند که در اختیار دیگران نیست، به خوبی و در بالاترین حد خود استفاده کنیم. خودتان اشاره کردید که در مورد فلان محله اقدام کرده‌اید و آن محله پاک شده است. خوب این مدل خوبی است و نشان می‌دهد که اگر هماهنگی و با برنامه باشد، جواب می‌دهد. پس نباید خسته شویم. مطمئن هستیم که نقش آموزش و پرورش در پاک‌سازی آن محله و بیشتر از آن در تثبیت وضع سلامت آن، از همه نهادهای بیشتر بوده است. **افتخاری:** درست است که مشکل این محله حل شده، ولی چرا مشکل از یک محله به محله دیگر منتقل شده است؟ به نظر من فشارهای بیرونی و کنترل خارجی باعث حل مشکل شده‌اند. در درون انسان‌ها و در درون آن محیط اتفاقی نیفتاده است. همان‌طور که قبلاً هم اشاره شد ما باید به فکر تغییر دیدگاه و فرهنگ‌سازی در این زمینه باشیم، وگرنه این اقدامات مسکن‌هایی خواهند بود که در درازمدت و با شیوع این معضلات، حداقل تأثیر خود را هم از دست خواهند داد. در چنین وضعیتی حتی این خطر وجود دارد که با اقدامات موردی و محله به محله، ما به آلوده شدن نوبتی محلات دامن

بزنیم. یک بازی موش و گربه شکل بگیرد که فقط انرژی ما را صرف خود کند و نتیجه مطلوبی هم نداشته باشد.

ریشه مسئله دربی توجهی به مقاوم و منزلت انسان است!

اما ریشه مسئله کجاست؟ به نظر من مسئله به ارزش قائل نشدن برای انسان‌ها برمی‌گردد. محیط باید به گونه‌ای باشد که انسان‌ها در جامعه احساس تعلق و هویت کنند و خود را ارزان نفروشند. مردی که شغل ندارد و اهمیت و جایگاه خود را در خانواده از دست داده است، به راحتی به مواد مخدر پناه می‌برد. فراموش نکنیم ما در آموزش و پرورش مسائلی داریم که معلمان و همه همکاران ما را رنج می‌دهد! معلم در منزلت و جایگاه واقعی و شایسته خود قرار ندارد. همکاران ما به لحاظ اقتصادی تأمین نیستند و به لحاظ اجتماعی و ارزشی هم جایگاه شایسته‌ای ندارند. این‌ها که دیگر پنهان کردنی نیست. آیا معلمی که برای دانش‌آموز خود الگو نیست، حرفش می‌تواند در او تأثیر بگذارد؟ به قول شاعر شیرین سخن:

ذات نایافته از هستی بخش/کی تواند که شود هستی بخش
مسائل اجتماعی مانند دانه‌های تسبیح در کنار هم معنا می‌دهند و با یک نگاه نظام‌مند، در کنار هم و در تعامل با هم معنا می‌دهند و می‌توانند نقش واقعی خود را ایفا کنند. پس در یک نگاه ریشه‌ای و عمیق ما باید از خودمان شروع کنیم. باید برای معلمان در عمل نقش و ارزش قائل شویم تا آن‌ها بتوانند دانش‌آموزان باهویتی را تحویل جامعه دهند. انسان‌های ارزشمند هیچ‌گاه ارزش خود را سطح یک معتاد کنار خیابان و یا کسی که از خانواده خود روی گردان شده است، پایین نخواهند آورد. همه انسان‌های ارزشمند آرزوی آن شاعر بزرگ را دارند که «از دیو و دد ملولم و انسانم آرزوست!»

همدانی: به نظر دوستان، ما در تألیف و از جمله آقای دکتر عیوضی در کتاب‌های درسی ابتدا باید فلسفه‌های اجتماعی را مطرح کنیم و بعداً مسائل اجتماعی و از جمله مسائل مورد نیاز دانش‌آموزان را براساس این فلسفه تبیین کنیم. آن‌طور هم که دبیران درس مطالعات اجتماعی می‌گویند کتاب به لحاظ فلسفی دشوار نیست. حالا سؤال این است که «به نظر شما آیا باید این مبانی فلسفی گفته شود و یا نه؟»

سیاوشی: بله، این مطالب و یا بیان فلسفه درس در جای خود لازم است، ولی باید به گونه‌ای باشد که دانش‌آموزان توانایی درک آن را داشته باشند و دبیران هم بتوانند و فرصت داشته باشند که این مسائل را (که به لحاظ ماهیت فلسفی و تا حدودی انتزاعی هستند) در ساعات در نظر گرفته شده به دانش‌آموزان آن‌گونه که شایسته است، بیاموزند.

ترقی: من هم اعتقاد دارم که دانش‌آموزان ما به دانستن مبانی فلسفی این درس نیاز دارند، ولی یادمان



نرود، دانش‌آموزان برای فراگیری این مبانی به کمک معلمان خود نیاز دارند. ما در بیشتر درس‌ها با مسئله کمبود زمان روبه‌رو هستیم و این مسئله قابل کتمان نیست. حتی بعضی معلمان هم قدرت انتقال این مفاهیم را ندارند. به این ترتیب دانش‌آموز درس را درست نمی‌فهمد و در درازمدت به دلیل درک نکردن همین مقدمات، از این درس که می‌تواند درس شیرینی هم باشد، روی گردان می‌شود.

معلمان به صورت تخصصی برای درس‌ها تربیت نمی‌شوند

ناتوانی برخی از همکاران ما هم دلیل دارد. قبلاً همکاران معلم ما برای درس‌ها به‌طور تخصصی تربیت می‌شدند، اما با برچیده شدن تربیت معلم، بسیاری از همکاران به رشته‌هایی جذب شدند که به درس‌شان مربوط نبود. این موضوع هم خودش تأثیرگذار است و می‌تواند در ارائه تصویری نامناسب از کتاب موجود مؤثر باشد. این نکته به محتوا و مطالب کتاب برنمی‌گردد. کلاس‌های ضمن خدمت هم چندان تأثیرگذار نیستند و شاید بتوان گفت بسیاری از همکاران فقط با انگیزه ارتقای شغلی در این کلاس‌ها شرکت می‌کنند.

چنین معلمی به‌طور طبیعی از تدریس این مبانی فلسفی که به آگاهی و شناخت نیاز دارد، عاجز خواهد بود و دود آن هم در نهایت به چشم دانش‌آموز می‌رود. پس علاوه بر آوردن مبانی فلسفی در کتاب درسی، فضای تدریس را هم باید به نحوی تدارک ببینیم که دانش‌آموز بتواند مطالب را به خوبی درک و هضم کند.